Tajrishcircle.org

د.کا.د[1](مجمع هنری آلمانی درسدن) در برابر اتو دیکس[2]

نویسنده: آن مورِی[3]

مترجم: آناهیتا داراب‌بیگی

می‌دانیم زمانی که نازی‌ها در اوایل سال ۱۹۳۳ کنترل فعالیت هنری در آلمان را به‌دست گرفتند، حرفه‌ی اتو دیکس نیز مجبور به توقف شد. با این حال این مسئله همواره مسکوت مانده‌است که فعالیت گروهی از هنرمندان *فولکیش*[4] در درسدن، یعنی ناسیونالیست‌های افراطی مجمع *هنری آلمانی درسدن* یا د.کا.د، در اینکه آثار اتو دیکس از سال ۱۹۲۷ آماج برچسب «منحط» قرار بگیرند، نقشی مهم داشته‌است. این فعالیت‌ها سرانجام نیز منجر به نمایش تعدادی از آثار سرآمد دیکس در نمایشگاه‌هایی شدند که نازی‌ها از اواسط ۱۹۳۳ تحت عنوان «هنر منحط» ترتیب داده بودند.(۱) این مقاله‌ی موجز به برخی از اقدامات د.کا.د علیه اتو دیکس در سال‌های ۳۳–۱۹۲۷ می‌پردازد.

د.کا.د در منزل فعال‌ترین نویسنده و مبارز خود یعنی *بتینا فایستل‌رومدر*[5] در ۱۹۲۰ تاسیس شد؛ یکی از هنرمندان برجسته‌ی آن دوره، *ریچارد موللر*[6] نیز عضو آن مجمع بود.(۲) فایستل‌رومدر «نمایندگان جامعه‌ی هنر و سازمان‌های فولکیش» را با هدف «دفاع از آثاری با روحیه و طبع آلمانی، در بحبوحه‌ی انحطاط فرهنگی» گرد هم آورد. این مجمع اولین گروهی بود که «در برابر کابوس *هنر (بولشویستی) نوامبر* قد علم کرد».(۳) *پاول شولتزنامبرگ*[7] نویسنده‌ی کتاب بدنام *هنر و نژاد*[8]، یکی از اعضای افتخاری این گروه بود. د.کا.د تلاش می‌کرد تا آنچه را هنر حقیقتا ژرمنی می‌دانست بازیابی کند، هنری همچون آثار *کاسپار داوید فردریش*[9] و *هانس توما*[10]؛ و در عین حال نیز نفوذ «هنری بدون روحیه‌ی آلمانی» را محکوم می‌کرد که شامل هر نوع هنر مدرنیستی یا متاثر از سبک‌های بین‌المللی می‌شد.

---

[1] DKD (Deutsche Kunstgesellschaft Dresden)

[2] Otto Dix

اتو دیکس، نقاش آلمانی (۱۸۹۱–۱۹۶۹). مدتی طی جنگ جهانی پشت سنگرهای خط‌مقدم آلمان خدمت کرد و به‌دنبال تجربه‌ی مستقیم تضاد ایدئولوژی خوشبینانه و جزمی دوران با واقعیت، پس از آن همواره در آثارش به ترسیم چهره‌ی نفرت‌انگیز و حقیقی جنگ و تبعات آن در جامعه‌ی آلمانی مانند فقر و فحشا پرداخت. نازی‌ها نه‌تنها هنرش را فاسد خطاب کرده و جلوی کار او را گرفتند، بلکه به‌قدری از او وحشت داشتند که در ۱۹۳۹ به‌اتهام دست‌داشتن در نقشه‌ی ترورهیتلر او را نیز دستگیر کردند.

[3] Ann Murray

[4] Völkisch اصطلاحی آلمانی از ریشه‌ی فولک (مردم) با معنای لغوی نژادگرا، ملت‌گرا

[5] Bettina Feistel- Rohmeder (1873-1953)

[6] Richard Müller (1874-1954)

[7] Paul Schultze-Naumburg

[8] Art and Race (1928)

[9] Caspar David Friedrich

[10] Hans Thoma

Tajrishcircle.org

نمایشگاه بین‌المللی درسدن که تا ۱۹۲۶ عملا تعطیل بود، اولین نمایش بزرگ پس از جنگ جهانی اول و یک موفقیت چشمگیر برای هنرمندان مدرنیست آلمانی محسوب می‌شد؛ این نمایش د.کا.د را تحریک کرد و دیکس تبدیل به هدف اصلی آنها برای تدارک اخبار هنری‌شان[۱۱] شد که برای نخستین بار در ماه مه ۱۹۲۷ به چاپ رسید.(۴)

نقل مکان دیکس به درسدن در اوایل سال ۱۹۲۷ برای سمت استادی در آکادمی هنر، به د.کا.د اجازه داد تا فعالیت های او را به ویژه از طریق موللر، همکار دیکس در آکادمی، دقیق‌تر نظارت کند. فایستل‌رومدر از ژوئن ۱۹۲۷ تلاش کرد تا از طریق د.کا.د، دیکس و کارش در آکادمی را محکوم کند و حتی به کسانی چون مجموعه‌دار آثار هنری، *آیدا بینت*[۱۲] و مدیر هنر نو در موزه‌ی ایالتی درسدن، *پاول فردیناند اشمیت*[۱۳] نیز رحم نکرد. یکی از نخستین نقدهای فایستل‌رومدر خشم او را به انتصاب دیکس به عنوان داور *نمایشگاه تجسمی انجمن‌های هنری آلمان* (۱۹۲۷) نشان می‌دهد، که با لحنی تمسخرآمیز آن را «انجمن هنرمندان مثلا آلمانی» می‌نامد: زمانی که لیست داوران این نمایشگاه «غیر آلمانی و بدریخت» شامل دیکس، *کته کولویتس*[۱۴] و *ماکس بکمان*[۱۵] باشد، چنین «کژسلیقگی» کاملا قابل پیش‌بینی است.(۵)

یکی از نفرت‌انگیزترین گزارش‌های فایستل‌رومدر درمورد دیکس، به دنبال استقبال منتقدین از اثر *کلان‌شهر*[۱۶] در نمایش هنر *ساکسون عصر ما* (۱۹۲۸) در درسدن، به چاپ رسید. او که از تصویرسازی دیکس از فاحشگان، که آنها را موضوعاتی درخور هنر نمی‌دید، بسیار منزجر شده بود؛ حتی به *نیکولاس پِوسنر*[۱۷] جوان که در گالری درسدن دستیار نمایشگاه سال ۱۹۲۶ بود و گزارش او در روزنامه‌ی *درسدنر انتزایگر*[۱۸] نیز حمله کرد:

{نمایشگاه} با کمال افتخار یک نقاشی بزرگ سه‌لتی را در خود جای داده که اثر همین استاد آکادمی درسدن است. این اثر صحنه‌ی رقصی را در یک روسپی‌خانه به تصویر کشیده و دو لت کناری، فاحشه‌ها را در خیابان نشان می‌دهند. در همین احوال می‌توان در گالری *نوی کونست فیدس*[۱۹] {...} از نمایش بزرگی از آثار دیکس‌مآبی لذت برد که بدون استثنا همگی نشان‌دهنده‌ی حظ و کیف این استاد جوانان {...} از افشاگری پرجزییات پست‌ترین، کریه‌ترین و تحمل‌ناپذیرترین چیزها هستند {...} و این‌ها همه در سبکی که به واسطه‌ی «عینیت نو» ظاهرا قرار است جالب باشد، بیشتر هم تحریک‌آمیز شده‌اند. {...} اما موضع رسانه‌ها به چنین تقلبی چیست؟ اینکه نوشته‌های سوسیالیستی آنها را تحسین کنند قابل فهم است؛ با کمک این «استاد» راستین، فاسد کردن اخلاق مردم آلمان در دستور کار است. در عرض چند سال بودن در فضای «کارگاه استاد» که می‌تواند یک نسل از هنرمندان را مسموم کند. اینکه روزنامه‌های بورژوایی سردمدار از چنین هنر مخرجی[۲۰] دفاع می‌کنند ابدا قابل‌تحمل نیست! با این حال مثلا خبرنگار هنری روزنامه‌ی درسدنر انتزایگر، دکتر پوسنر، اعتراف می‌کند که در هنر

---

[11] Deutsche Kunstkorrespondenz
[12] Ida Bienert
[13] Paul Ferdinand Schmidt
[14] Käthe Kollwitz
[15] Max Beckmann
[16] Metropolis
[17] Nikolaus Pevsner
[18] Dresdner Anzeiger
[19] Neue Kunst Fides
[20] Anal-art

Tajrishcircle.org

دیکس‌مآب «پدیده‌ای عجیب، از بسیاری جهات نفرت‌انگیز و ناسالم، و از طرفی نیز گیرا وجود دارد» {...}: «در هر صورت ما مشتاقانه منتظر دیدن چنین پیشرفتی در درسدن هستیم، آکادمی با وجود هنر دیکس به یکی از قدرتمندترین شخصیت‌هایش در میان هنرمندان جوان دست یافته که به یک اندازه منفور و جذاب است». (شماره ۴۴۷، سپتامبر ۱۹۲۸). ما چیزی برای اضافه‌کردن به این اظهارات خرسندکننده نداریم.(۶)

در یکی از شماره‌های اخبار هنری د.کا.د مربوط به دسامبر ۱۹۲۸، خانم فایستل‌رومدر درسدن را «شهر هنری در خطر» خوانده، و با حمله به گالری نوی کونست فیدس، که معمولا آثار دیکس را نمایش می‌داد، این گالری را یک تهدید بزرگ عنوان کرد.(۷) در اخبار هنری ژانویه ۱۹۲۹، او نامه‌ای را منتشر کرد که د.کا.د و هفت گروه دیگر امضا نموده و برای رئیس جمهور *پاول فون هیندنبرگ*[۲۱] فرستاده بودند که بر پایان‌دادن حمایت او از هنرمندان مدرنیست تاکید می‌ورزید. این هشت گروه فولکیش که در نامه از آنها نام برده شده، نشانه‌ی قدرت رو به افزایش آنها بود که ادعا می‌کردند ده هزار نفر را نمایندگی می‌کنند.(۸) امضاکنندگان عبارت بودند از: *راینهولد رِم*[۲۲] (گروه *لیگ*[۲۳])، *هاینریش بلومه*[۲۴] (د.کا.د)، *ایگن فردریش هوف*[۲۵] (*دوستان هنر آلمانی درسدن*)، *ماکس روبرت گرشتنهاور*[۲۶] (*لیگ آلمانی*)، *پاول شولتزنامبرگ* (گروه *بلاک*[۲۷])، *گیدا دیل*[۲۸] (لیگ مبارز زنان آلمان و جنبش نیولند) و پروفسور *مالگوت*[۲۹] (لیگ اساتید فولکیش)؛ همگی آنها به حمایت هیندنبرگ از نمایشگاه ۱۹۲۶ اعتراض کردند. یکی دیگر از توهین‌های فایستل‌رومدر به دیکس، نمایشگاهی بود که از آثار هنرجویان او در مارچ ۱۹۳۲ درآکادمی هنر برگزار کرد و آنها را گواهی بر توانایی دیکس در فاسدکردن روحیه‌ی هنری آلمانی معرفی کرد: «اینک مخاطب حساس آلمانی به تولیدات دانشجویان دیکس می‌نگرد! پروفسور دیکس با این نمایشگاه نشان داده‌اند که نابودگر جوانان آلمانی هستند.»(۹)

سه ماه پس از آن‌که نازی‌ها در ژانویه‌ی ۱۹۳۳ قدرت را به‌دست گرفتند، موللر که از ۱۹۳۲ یکی از اعضای حزب بود، مدیر آکادمی شد و نخستین نمایشگاه بزرگ هنر منحط در درسدن را برگزار کرد (۲۳ سپتامبر تا ۱۸ اکتبر ۱۹۳۳)، که تعدادی از آثار دیکس را نیز دربرمی‌گرفت: *معلولا ن جنگ*[۳۰] (۱۹۲۰) و *سنگر*[۳۱] (۲۳–۱۹۲۰)، که دومی به خاطر ترسیم بی‌رحمانه‌اش از سربازان تلف‌شده‌ی آلمانی جنجالی شد و موزه‌ی ایالتی در ۱۹۲۷ آن را خریداری کرد. این آثار به علت روحیه‌ی «بازنده» و تصویرسازی «غیر آلمانی» از قهرمانان جنگی آلمان، جایگاهی ویژه در این نمایشگاه داشتند (تصویر۱) موللر نیز «انحطاط» این آثار را در روزنامه‌ی درسدنر انتزایگر این‌گونه وصف کرد:

---

[21] Paul von Hindenburg
[22] Reinhold Rehm
[23] Der Bund
[24] Heinrich Blume
[25] Eugen Friedrich Hopf
[26] Max Robert Gerstenhauer
[27] The Block
[28] Guida Diehl
[29] Malguth
[30] War Cripples
[31] The Trench

Tajrishcircle.org

در سالن اصلی شاهد حضور تابلوی عظیم جنگ اثر اتو دیکس هستیم. {...} در این تصویر می‌توان داخل یک سنگر را پس از بمباران مشاهده کرد. زخمی‌شدگان، اجساد، اعضای قطع‌شده‌ی بدن، جمجمه‌های از هم پاشیده، همگی در هرج‌ومرجی در هم گره‌خورده‌اند. یک موش مغز سری که بیرون زده را می‌جود. تصویری از جنگ که احتمالا رئیس یک زندان سراسربین[۳۲] آن را می‌خرد و به عنوان جاذبه‌ای در کلکسیون جنگی‌اش می‌گذارد تا بعدا از فروش آن سود کند. مسئله‌ی اصلی شور و تاثیرگذاری‌ست، مهم نیست اگر قهرمانان مردم و مردگان مقدس معامله بشوند. می‌توان این نقاشی را یک اثر نمایشی از آشوبگران کمونیست تصور کرد که رو به مخاطبان فریاد می‌زنند: کسانی را اینجا می‌بینید که به قدری احمق بوده‌اند که از سرزمین پدری‌شان دفاع کنند. {...} به‌راستی این تصویر تقدیرآمیز بود اگر کسی قصد داشت خفت و خواری سرباز خط مقدم آلمانی را ببیند؛ سربازی که پس از مرگ قهرمانانه‌اش لایق یادواره‌ای غرورآمیز است نه چنین تصویر دهشتناک و نکبت‌باری. {...} می‌توان (به منتقدان) پیشنهاد کرد که برای یافتن کاستی‌های فنی «سنگرها»، و همینطور اثر «معلولان جنگ» به سال ۱۹۲۰ را از نظر بگذرانند: چهار سرباز خط مقدم به‌خاطر دست‌وپای قطع‌شده‌شان مضحکه شده‌اند {...}، منظره‌ای بی‌نهایت خباثت‌آمیز برابر چشمان مردمی نجیب. {...} چه گناهان سنگینی را به‌جان خریدند آن کسانی که این مرد را به‌عنوان معلم آکادمی انتخاب کردند و جوانان را سال‌ها در معرض تاثیر سمی او قرار دادند؛ بالاخره آنچه باید و شاید رخ داد و در بهار امسال دیکس از کار برکنار شد.(۱۰)

فایستل‌رومدر بخش‌هایی از گزارش موللر را در *خبرنامه‌ی هنر آلمانی*[۳۳] تکرار کرده بود – که در واقع اسم موقتی مجله‌ی مفصل‌تر د.کا.د یعنی همان *تصویر*[۳۴] بود. او که از تمام اقداماتش در جهت متوقف‌کردن حرفه‌ی دیکس از سال ۱۹۲۷ نام برده‌بود، نقد موللر از دیکس را نیز تصریح کرده و اضافه می‌کند: خریداری اثر بدنامی چون جنگ آن هم به‌دست حامیان موزه در نوامبر ۱۹۲۸، «بزرگ‌ترین رسوایی» در معاملات هنر جدید در درسدن و دور ریختن ده هزار مارک بی‌زبان بوده است.(۱۱)

ششم آپریل ۱۹۳۳ موللر در نامه‌ای به *مانفرد فون کلینگر*[۳۵] مامور ارشد رایش ایالت ساکسونی، خبر داد که قرار است دیکس را بدون مقرری مرخص کنند و حق ورود به آکادمی را نیز از او بگیرند.(۱۲) سرانجام دیکس که نمایش آثارش نیز ممنوع شده‌بود، نتوانست تا پس از جنگ جهانی دوم کارش را تمام و کمال از سر بگیرد.

---

[32] Panopticon
[33] *Deutscher Kunstbericht*
[34] *Das Bild*
[35] Manfred von Killinger

Tajrishcircle.org

تصویر ۱ – تماشاگران در برابر تابلوی سنگر، صحنه‌ای از یک مستند، کریستین بورشرت، ۱۹۳۳

تصویر ۲ - تابلوی سنگر، اثر اتو دیکس، ۱۹۲۳- پیوست مترجم

Tajrishcircle.org

پانوشت‌ها و منابع

(۱) کوتاهی بحث ممکن است به علت از بین رفتن آرشیو د.کا.د در بمباران درسدن در فوریه‌ی ۱۹۴۵ باشد. نگاه کنید به: کتاب *هنرمندان برای رایش* اثر *یوان ال. کلاین‌فلتر*. به علاوه نامه‌های دیکس در بنیاد اتو دیکس در ودوز و آرشیو هنر آلمان در نورمبرگ، اشاره‌ای به د.کا.د نمی‌کنند.

Joan L. Clinefelter, Artists for the Reich (Oxford: Berg, 2005), p. 7.

(۲) کتاب کلاین‌فلتر ص. ۲۹. د.کا.د یکی از چند گروه فرهنگی شدیدا دست راستی در درسدن آن زمان بود.

(۳) کتاب *خطر بولشویسم هنری* از بتینا فایستل‌رومدر. «نوامبر» یا هنر «بولشویستی» ارجاعی به گروه نوامبر بود که دیکس در آن عضو بود. اعضای این گروه ایده‌های اجتماعی مشترکی داشتند.

Bettina Feistel-Rohmeder, *Im Terror des Kunstbolschewismus. Urkundensammlung des 'Deutschen Kunstberichtes' aus den Jahren 1927-33* (Karlsruhe: C. F. Müler Verlag, 1938), p. 195.

(۴) همان. ص. ۷، ۱۱. مجمع د.کا.د نخستین مجله‌ی خود *هنر تصویری آلمان* و گزارش‌های هنری‌شان را در ژانویه‌ی ۱۹۲۷ چاپ کردند. تا ماه می آن سال اسم این گزارش‌ها به *مکاتبات هنری آلمانی* تغییر کرده و ماهانه چاپ شد. برای اطلاع بیشتر درباره‌ی نمایشگاه هنر بین‌المللی درسدن، به کتاب *استفن گیمز* درباره‌ی زندگی پوسنر و کتاب *ویل گرومان* مراجعه کنید.

Stephen Games, *Pevsner. The Early Life: Germany and Art* (London: Continuum, 2010), pp. 131-140.

Will Grohmann et al, eds, Dresden 1926 Internationale Kunstausstellung/Jubiläums Gartenbau-Ausstellung, Der Cicerone 12 (Leipzig: Klinkhardt & Biermann, 1926).

(۵) نقد این نمایشگاه در ص. ۱۶ کتاب فایستل‌رومدر آمده است.

(۶) همان. ص. ۴۰–۳۹، همچنین نگاه کنید به: کتاب گیمز، ص. ۱۳۹.

(۷) کتاب فایستل‌رومدر ص. ۴۶.

(۸) همان ص. ۴۸–۴۷.

(۹) همان ص. ۳–۱۶۲.

(۱۰) گزارش ریچارد موللر در روزنامه‌ی درسدنر انتزایگر. اثر *سنگر* در برخی موارد جنگ نیز خوانده شده است.

'Die Ausstellung Spiegelbilder des Verfalls in der Kunst', *Dresdner Anzeiger*, 23 September 1933, Archiv HfBK Dresden, Akte 01/41, 103.

(۱۱) کتاب فایستل‌رومدر ص. ۵–۲۰۴. در اینجا نیز دوباره تابلوی سنگر، جنگ نامیده شده است.

(۱۲)

Richard Müller, 'Letter from Richard Müller to Reichskommissar for Saxony, Manfred von Killinger', 1933, Nachlaß Otto Dix, Deutsches Kunstarchiv, Nuremburg.

تصویر (۱)

Tajrishcircle.org

Zeitdokumente: Ausstellung ‘Entartete Kunst’ im Lichthof des Dresdner Rathauses, with visitors before Dix‘s *Trench*. © SLUB/Deutsche Fotothek, Christian Borchert, 1933.

تصویر (۲) – پیوست مترجم

Hugo Erfurth, Akademie der Künste Berlin, Otto-Dix-Archiv

منبع: academia.edu